

تحلیلی بر همبستگی و ارتباط میزان مشارکت شهروندی در مدیریت شهرهای جدید و عوامل زمینه‌ای اثرگذار؛ نمونه موردی: شهر جدید پرند

گلاره شاه‌حسینی* - دانشجوی دکتری شهرسازی، دانشکده هنر و معماری، دانشگاه تربیت مدرس، تهران، ایران
حمیدرضا صارمی - استادیار گروه شهرسازی، دانشکده هنر و معماری، دانشگاه تربیت مدرس، تهران، ایران

Analysis on correlation between citizen participation in new towns management and effective factors; Case study: Parand new town

Abstract

Citizen participation in urban management is the newest approach that is trying to make synergy among the ideas and capabilities of citizens in order to bring into force moving from management to governance. The ultimate goal of this approach is to reach decentralization, transparency, creation of unity and justice in the field of urban management. This research believing the need to move towards utilizing the views of citizens in the management of cities, aims at detailed study of the concepts and practices of citizen participation, and having a model of citizen participation level in this process. The Parand new town new was selected as the case study. This research is Descriptive and analytical and the method of study has been quantitative and qualitative using questionnaires, interviews, and combining the results with official statistics. In order to identify the effective indicators and measure them different scientific instruments were used. Data analysis in two stages: Describing the data using frequency distribution tables and central measures and dispersion. Testing the hypothesis and investigating the relationships between variables using the statistical methods of Pearson correlation, variance analysis and multiple regressions were performed. The results show that among all independent variables related to personal, economic, social characteristics of the citizens and informing them of the process or citizen participation, there is a significant correlation. The Variable of the type of home ownership has the biggest correlation or the level of participation and it seems that is the stronger people's economic base is, the higher their participation is, and vice versa. Finally, Since there is a direct correlation between the independent variables and the dependent variable of citizen participation, improving the status of each of mentioned factors can contribute to a significant increase in the participation of citizens in the management of Parand new town That should be on the agenda with regard to prioritization based on the correlation between the independent variables and level of participation. Among the independent variables of the first hypothesis, type of home ownership with a correlation coefficient of 0.56 has the highest correlation with the level of participation, so taking measures as regards affordable and cheap housing in order to overcome the problem of ownership of housing can play an important part in increasing the participation of citizens; Increasing the level of Information delivery by Development Company of the new town of Parand can play an important role in increasing citizens' participation. This can be achieved through strengthening citizens' participation in the management of the new town of Parand and boosting the culture of participation, holding public meetings, conducting polls in various fields and inform them about the plans and programs of development.

KeyWords: Citizen Participation, Urban management, new town, effective factors.

چکیده

مشارکت شهروندان در مدیریت شهری، نوین‌ترین رویکردی است که با هم‌افزایی اندیشه‌ها و قابلیت‌های شهروندان، حرکت از اداره شهری به حکمروایی را محقق می‌سازد. هدف غایی این رویکرد تمرکززدایی، شفافیت، ایجاد وفاق و عدالت در عرصه مدیریت شهری است. پژوهش پیش‌رو، با باورمندی لزوم حرکت به سمت بهره‌گیری از اندیشه‌های شهروندی در مدیریت شهرهای جدید، بر آن است تا با بررسی موشکافانه مفاهیم مشارکت شهروندی، میزان همبستگی بین مشارکت و عوامل مؤثر را ارزیابی نماید. شهر جدید پرند به عنوان محدوده مکانی این پژوهش انتخاب شده است. نوع پژوهش تحلیلی - توصیفی بوده، جمع‌آوری اطلاعات با استفاده از پرسشنامه (۳۸۰ عدد بر مبنای فرمول کوکران) و مصاحبه با شرکت عمران (مدیریت شهر پرند) انجام شده و ارزیابی میزان همبستگی عوامل اثرگذار با میزان مشارکت، با استفاده از ضریب همبستگی پیرسون، آنالیز واریانس و رگرسیون چندمتغیره صورت گرفته است. نتایج بیانگر آن است که تمامی زیر متغیرهای مستقل شخصیتی، اقتصادی، اجتماعی شهروندان (فرضیه اول) و میزان اطلاع‌رسانی (فرضیه دوم)، با میزان مشارکت شهروندان ارتباط معناداری دارند. نوع مالکیت مسکن (زیرمتغیر اقتصادی) بیشترین همبستگی مستقیم - شدید (۰,۵۶) را با میزان مشارکت دارا بوده و بین متغیر اطلاع‌رسانی به شهروندان و میزان مشارکت، نیز همبستگی مستقیم - نسبتاً قوی (۰,۲۷) وجود دارد. در نهایت با توجه به اولویت اهمیت تأثیر متغیرها، پیشنهادهایی با هدف بسترسازی جهت ارتقا مشارکت ارائه شده است.

واژگان کلیدی: مشارکت شهروندی، مدیریت شهری، شهر جدید، عوامل اثرگذار.

مقدمه

رشد شتابان شهرنشینی در دهه‌های اخیر، به ویژه در کشورهای در حال توسعه و از جمله ایران، منجر به توسعه و رشد شهرها و افزایش تعداد آنها و تمرکز بیش از حد جمعیت در شهرهای بزرگ گردیده، تاحدی که دیگر این شهرها قادر به ادامه حیات سالم شهری و ارائه مناسب خدمات به ساکنین خود نیستند؛ بنابراین سیاست احداث شهرهای جدید، یکی از راه‌حل‌هایی است که به منظور مرتفع ساختن این مشکل با هدف توزیع متناسب جمعیت و دسترسی به خدمات، در اطراف شهرهای بزرگ به اجرا درآمده است (شکوهی، ۱۳۸۱، ص ۹۶).

اما عملاً این راهکار به اهداف مورد انتظار خود دست نیافته و این شهرها اغلب تنها به صورت شهرک‌های خوابگاهی که شهروندان احساس مکان زندگی نسبت به آن ندارند و صرفاً بعنوان محلی برای استراحت شبانه استفاده می‌کنند در کنار مادر شهرها دیده می‌شوند (مشکینی و همکاران، ۱۳۸۱، ص ۸۲)، شهرها به مثابه یک سازمان، در رأس خود به منظور اداره امور شهر به فن و روشی نیازمندند که همان مدیریت شهری است (شیعه، ۱۳۸۲، ص ۳۹). بنابراین، این مقوله در شهرهای جدید نیز از اهمیت خاصی برخوردار است و شاید یکی از مهمترین دلایل عدم تحقق پذیری شهرهای جدید در ایران، ضعف در مدیریت این شهرها باشد، بی توجهی به خواسته‌های عمومی در برنامه‌ریزی و مدیریت شهرهای جدید و عدم انطباق این شهرها با علایق، خواسته‌ها و نیازهای ساکنین موجب شده تا زندگی در این شهرها با مشکلات فراوانی همراه باشد. بررسی سیر تحول مدیریت شهری از دهه ۱۹۵۰ به بعد بیانگر آن است که با ورود بحث مشارکت به عرصه مدیریت شهری و شهرسازی در دهه ۱۹۹۰، پارادایم نوینی در جریان مدیریت شهرها شکل گرفت؛ این پارادایم نوین اساس خود را بر پایه تمرکززدایی و واگذاری مسئولیت‌ها به حکومت‌های محلی و سطوح پایین مدیریت شهری قرارداد. در واقع در این دوره با توجه به نیازهای نوین مدیریت شهری، وزن تصمیم‌گیری از سطوح بالاتر به پایین منتقل شد و نقش مردم و سازمان‌های غیردولتی در جریان مدیریت شهری کاملاً برجسته شده و از حالت تزئینی به جنبه محوری تغییر پیدا کرد (مرادی مسیحی، ۱۳۸۲، ص ۶۹).

به نظر می‌رسد توجه به این پارادایم نوین در جریان مدیریت شهرهای جدید و توجه به ویژگی‌های حکمروایی

شهری مطلوب با تأکید بر اصل مشارکت شهروندان، می‌تواند نقش بسزایی در بهبود شرایط این شهرها داشته باشد (اجزاء شکوهی و همکاران، ۱۳۸۲، ص ۳). شهر جدید پرنده از جمله شهرهایی است که برای اسکان بخشی از سرریز جمعیت شهر تهران در نظر گرفته شده است، این شهر در ۳۰ کیلومتری مادرشهر تهران واقع شده که در طرح بازنگری (۱۳۸۵)، جمعیت افق طرح آن به ۱۵۰ هزار نفر تغییر یافت. با توجه به این که در شهر جدید پرنده هنوز نهاد شهرداری تأسیس نشده است، تمامی فعالیت‌های مربوط به عمران و مدیریت شهری به عهده شرکت عمران شهر جدید پرنده است که در تاریخ ۱۳۷۴/۳/۲۲ تأسیس شده است (طرح بازنگری شهر جدید پرنده، ۱۳۸۵، ص ۱).

لذا به منظور شناسایی عوامل مؤثر بر میزان مشارکت شهروندان در مدیریت شهرهای جدید، این شهر به عنوان یک نمونه پایه انتخاب گردید تا مشارکت شهروندان در مدیریت شهرهای جدید در قالب دو رکن اساسی، شهروندان شهر جدید پرنده و مدیریت این شهر (شرکت عمران شهر جدید پرنده) مورد بررسی قرار گیرد. با در نظر داشتن این نکته که شهروندان به لحاظ ویژگی‌های فردی و مدیریت شهری به واسطه اطلاع رسانی و شفاف سازی اقدامات صورت گرفته توسط شرکت عمران شهر جدید پرنده، می‌توانند در میزان مشارکت شهروندان در مدیریت شهرهای جدید، در قالب ۲ فرضیه اثرگذار باشند: فرضیه ۱. به نظر می‌رسد بین میزان مشارکت شهروندان در مدیریت شهر جدید پرنده با ویژگی‌های اقتصادی، اجتماعی و شخصیتی شهروندان ارتباط معناداری وجود دارد. فرضیه ۲. به نظر می‌رسد بین میزان اطلاع رسانی به شهروندان شهر جدید پرنده از روند برنامه‌های مدیریت شهری با میزان مشارکت آنان رابطه معناداری وجود دارد.

ادبیات پژوهش

مدیریت و حکمروایی شهری

یونسکو مدیریت شهری را فرایندهایی می‌داند که ارتباطات متفاوت و گوناگونی را مابین بازیگران متعدد عرصه شهری، حکومت محلی و شهروندان رهبری می‌کند و سازمان می‌دهد. این تعریف شامل هر دو شکل برنامه ریزی بالا به پایین و پایین به بالا برای رسیدن به شفافیت در عرصه مدیریت شهری، پاسخگویی و مسئولیت پذیری و نوآوری در استراتژی‌های شهری و تصمیم‌گیری است

در سال‌های اخیر، موضوع مشارکت شهروندی در امور شهرها، در صدر گفتمان‌های اجتماعی و سیاسی جامعه و عصری مهم در راستای دستیابی به دموکراسی و توسعه پایدار محسوب می‌گردد (محمدی و همکاران، ۱۳۸۲، ص ۳).

سهم و نقش مشارکت شهروندی و نهادهای مدنی در مدیریت شهرهای جدید نیز، جایگاه مشخصی در فرآیند ایجاد و توسعه شهرهای جدید دارد. به عبارت دقیق تر، اهمیت و ضرورت حضور و مشارکت نهادهای غیردولتی در فرآیند مدیریت شهری انکار ناپذیر است. عرصه‌های مشارکت شهروندی در مدیریت شهرهای جدید، فعالیت‌های متعددی اعم از زیست محیطی، عمرانی (ساخت و سازهای عمرانی، طراحی و نگهداری معابر و ...)، خدماتی (جمع‌آوری و دفع مواد زائد جامد، نظافت شهری، تأسیسات و تسهیلات شهری، فعالیت‌های نظارت، ارزیابی و پایش، فعالیت‌های مربوط به ایمنی شهر، شامل فضاهای سبز شهری، جلوگیری از آلودگی‌ها و ...) را شامل می‌شود. وظایف داوطلبان مشارکت در مدیریت شهری را می‌توان در قالب ۴ دسته مشارکت در بررسی مسائل و مشکلات شهر جدید، مشارکت در برنامه‌ریزی، مشارکت در تصمیم‌گیری و مدیریت، مشارکت در اجرا، مشارکت در نظارت و پایش و ... دسته بندی نمود (ارجمندیا، ۱۳۸۵، صص ۳۲۶-۳۲۵).

عوامل زمینه‌ای اثرگذار بر میزان مشارکت

در این رابطه، متخصصین در زمینه‌های متعددی همچون جامعه‌شناسی، روان‌شناسی، علوم اجتماعی و سیاسی و ... عوامل متعددی را به عنوان عوامل موثر بر مشارکت ذکر کرده‌اند؛ که در این پژوهش، به بیان دیدگاه‌های جامعه‌شناسی و روان‌شناسی پرداخته می‌شود. از دیدگاه روانشناختی، عوامل انگیزه و ویژگی‌های شخصیتی به عنوان عوامل محرک نگرش‌های فردی در مبادرت به فعالیت‌های اجتماعی عنوان شده‌اند. لذا در بررسی فعالیت‌های مشارکتی افراد، می‌بایست میزان احساس تعلق به جامعه، اعتماد به نفس، خلاقیت، استعدادها، فردی، انگیزه پیشرفت، انگیزه شایستگی و انگیزه کار را مدنظر قرار داد (دانشپور و هادیان، ۱۳۸۶، ص ۳). در این راستا، هیگن^۴، خلاقیت و نوآوری، مک کلند^۵

(Kaufmann & Etal, 2006:2). سیر تحول مدیریت شهری از اواسط دهه ۱۹۹۰ به بعد، دربردارنده گذار از مدیریت شهری به حکمرانی شهری بوده و بر لزوم مشارکت و دموکراسی تأکید ویژه دارد (مرادی مسیحی، ۱۳۸۲، ص ۸۹). حکمرانی^۱ مفهوم جدیدی نیست و قدمت آن به تمدن بشری می‌رسد. واژه حکمرانی در مقابل واژه «حکومت»^۲ قرار می‌گیرد. در سال ۱۹۹۷، برنامه توسعه سازمان ملل^۳، حکمرانی را به صورت مقابل تعریف کرد: «حکمرانی، اعمال قدرت سیاسی، اقتصادی، اداری برای مدیریت یک کشور در همه سطوح است. این حکمرانی شامل سازوکارها، فرایندها و موسساتی می‌شود که از طریق آنها، شهروندان و گروه‌های مختلف عقاید خود را ابراز می‌دارند، اختلاف نظرهای خود را تعدیل می‌کنند و به توافق نظر می‌رسند و براساس حقوق و تعهدات قانونی خود عمل می‌کنند (UNDP, 1997:2-3). حکمرانی شهری به طور مستقیم با رفاه شهروندان در ارتباط است و در واقع بایستی زمینه شکوفایی قابلیت‌ها و استعدادها و زنان و مردان جامعه را در قالب شهر نمایان سازد (VANSANT, 2001: 5).

جایگاه مشارکت در مدیریت شهری

همانطور که اشاره گردید، سیر تحول مدیریت شهری از دهه ۱۹۵۰ به بعد بیانگر تغییر و تحول و نگرش نوین به مسئله مدیریت و برنامه‌ریزی شهری در ۱۹۹۰ است، تأکید این نگرش نوین بر الگویی غالب، تحت عنوان حکمروایی شهری است که در آن، مدیریت شهری از بالا به پایین نیست و مشارکت شهروندی در اداره امور شهری جزو جدایی ناپذیر این الگو به شمار می‌رود (زیاری و همکاران، ۱۳۸۲، ص ۷۰). مشارکت عبارت است از فعالیتهای ارادی و داوطلبانه‌ای که از طریق آنها اعضای یک جامعه در امور محله، شهر و روستای خود شرکت می‌کنند و به صورت مستقیم و غیرمستقیم در شکل دادن به حیات اجتماعی خود سهم می‌شوند (محسنی تبریزی، ۱۳۷۵، ص ۹۳). نظریه پردازان علوم اجتماعی، مشارکت را معرف اصلی شهروندی دانسته‌اند و هابرماس بر شرایط دسترسی برابر به مشارکت متمرکز بوده و اجتماعات گفتمانی را پیشنهاد می‌کند (Habermas, 1992:350).

1. Governance
2. Government
3. United Nation Development Program (UNDP)

4. . Hagen
5. . McClelland

ریسک پذیری، مسئولیت پذیری و مشارکت اجتماعی را از عوامل مرتبط با مشارکت می‌داند (کلدی، ۱۳۸۱، ص ۵). در دیدگاه جامعه شناختی مشارکت، بر فرایندهای اجتماعی، اقتصادی، نهادهای خانوادگی و نظام تعلیم و تربیت تأکید می‌شود، بدین ترتیب لرنر^۶ بر سه فرآیند شهرنشینی، سطح تحصیلات و مشارکت رسانه‌ای اشاره می‌نماید (هریسون، ۱۳۷۶). لیپست^۷ در مطالعه خود در باب تأثیر عوامل مختلف بر میزان مشارکت شهروندان، از بعد جنسیتی، به مشارکت بیشتر مردان در مقایسه با زنان و از بعد تحصیلات، به تأثیر مثبت افزایش تحصیلات بر میزان مشارکت اشاره نمود. در خصوص متغیر سن، معتقد به مشارکت بیشتر رده سنی (۳۵-۵۵) نسبت به گروه‌های سنی جوانتر می‌باشد؛ و در زمینه تأثیر سابقه سکونت بر میزان مشارکت شهروندان، افزایش میزان مشارکت در نتیجه افزایش سابقه سکونت را مطرح می‌نماید، به گونه‌ای که ساکنین قدیمی محدوده نسبت به تازه واردین، از میزان مشارکت بالاتری برخوردارند (کلدی، ۱۳۸۱، ص ۶).

بنابر عقیده امیل دورکیم، هنگامی که شهروندان نسبت به محیط اجتماعی احساس تعلق نمایند، شرایط لازم برای اجتماعی خلاق فراهم می‌شود و با افزایش این حس تعلق در شهروندان، طبیعتاً میزان مشارکت آنها نیز افزایش پیدا می‌کند. دال براین باور است که، بین میزان تصور فرد از کارایی اش و میزان مشارکت او ارتباط تنگاتنگی وجود دارد؛ به عبارت دیگر، کسانی که تصور می‌کنند کارایی بیشتری در امور مشارکتی دارند، میزان مشارکت آنها بیشتر است (همان منبع، ص ۱۶). همان طور که پیشتر اشاره گردید، باوجود تعدد متغیرها و ویژگی‌های تأثیرگذار بر میزان مشارکت، در این پژوهش بررسی تأثیر برخی از این عوامل بر میزان مشارکت مورد نظر است.

متغیرهای بررسی شده در ویژگی‌های اجتماعی تحصیلات، سابقه سکونت در محل، سن و حس تعلق مکانی را شامل می‌شوند. لرنر و لیپست معتقدند که افزایش سطح تحصیلات، یکی از عوامل مهم در راستای افزایش میزان مشارکت شهروندان محسوب می‌شود (هریسون، ۱۳۷۶). او سابقه سکونت در یک محل را، به عنوان عامل مؤثر بر میزان مشارکت معرفی نموده و بیان

می‌دارد که ساکنین قدیمی هر محل نسبت به تازه واردین از میزان مشارکت بالاتری برخوردارند. بر پایه تحقیقات این محقق، شهروندان ۳۵ تا ۵۵ سال، بیشتر از گروه‌های سنی جوانتر به مشارکت در اداره امور شهرها می‌پردازند. در ارتباط با حس تعلق، دورکیم معتقد به افزایش میزان مشارکت شهروندان در نتیجه افزایش حس تعلق آنهاست (کلدی، ۱۳۸۱، ص ۶).

مهمترین متغیرهای اقتصادی مورد نظر نیز به ترتیب میزان درآمد، نوع مالکیت مسکن می‌باشند؛ کسالایی (۱۳۷۹) به بررسی رابطه میزان درآمد شهروندان با میزان مشارکت پرداخته و با تأکید بر اهمیت تأثیر پایگاه اقتصادی بر میزان مشارکت شهروندان، میزان درآمد شهروندان را به عنوان یکی از عوامل مؤثر بر شکل‌گیری پایگاه اقتصادی معرفی می‌نماید. تقوایی (۱۳۸۸) رابطه نوع مالکیت مسکن و میزان مشارکت شهروندان را به اثبات رسانده است (تقوایی، ۱۳۸۸، ص ۳۲). ویژگی‌های شخصیتی به عنوان یکی دیگر از عوامل مؤثر، زیرمتغیرهای متعددی را شامل می‌شود؛ هیگن در باب عوامل مؤثر بر مشارکت به عواملی از قبیل خلاقیت و نوآوری، اعتماد به نفس، انگیزه پیشرفت، انگیزه مشارکت در تصمیمات و فعالیت‌های گروهی اشاره می‌نماید. دال بیان می‌دارد که بین میزان تصور فرد از کارایی اش و میزان مشارکت او ارتباط تنگاتنگی وجود دارد. مک کللند، ریسک‌پذیری و مسئولیت‌پذیری را به عنوان عوامل مؤثر بر مشارکت مطرح می‌نماید (هریسون، ۱۳۷۶).

اطلاع‌رسانی به عنوان یکی از پیش‌نیازهای مشارکت

در ارتباط با عامل اطلاع‌رسانی و نقش آن در پدیده مشارکت، دیدگاه‌ها و نظریات متفاوتی وجود دارد؛ شری‌ارنشتاین، در نردبان مشارکت شهروندی، عامل اطلاع‌رسانی و شفاف‌سازی را به عنوان یکی از سطوح مشارکت معرفی می‌نماید (Kotus and Sowa, 2017:82). دیویدسون، اطلاع‌رسانی را به عنوان یکی از سطوح مشارکت در گردونه مشارکت شهروندی معرفی می‌نماید (کشتکار و حاتمی، ۱۳۹۴، ص ۴۶). ارجمند نیا (۱۳۸۵) اطلاع‌رسانی را به عنوان یکی از ارکان اصلی مشارکت دانسته و معتقد است بدون نظام کارآمد اطلاع‌رسانی و آگاه‌سازی، مشارکت مردمی و نهادهای مدنی امکان‌پذیر نخواهند بود. کسالایی (۱۳۷۹) عدم آگاهی

۶. Lerner .

۷. Lipset .

نمودار ۱. مدل مفهومی پژوهش



شهروندان در ارتباط با امور مدیریت شهری را ناشی از عدم اطلاع رسانی و شفاف سازی اقدامات مدیریت شهری دانسته و آن را به عنوان عاملی مؤثر در کاهش میزان مشارکت شهروندان می‌شمرد. چرت و موسلی^۸ معتقد است که اطلاع رسانی در ارتباط با ترویج فرهنگ مشارکت از طریق آموزش وسیع و اجرای مداوم آن نقش تعیین کننده ای در ارتقا مشارکت فعال مردم محلی ایفا می‌نماید (Bosworth et al, 2016:5).

روش پژوهش

جمع آوری اطلاعات با استفاده از مطالعات کتابخانه‌ای و اسنادی، پرسشنامه و مصاحبه (با اعضای شرکت عمران شهر جدید پرنده) صورت گرفته است. ابتدا حجم نمونه جهت تعیین تعداد پرسشنامه مورد نیاز از طریق فرمول کوکران محاسبه گردید، بر پایه نتایج آن ۳۸۰ پرسشنامه در میان شهروندان شهر جدید پرنده توزیع گردید. سوالات پرسشنامه با استفاده از طیف ۵ گزینه‌ای لیکرت (بسیار کم، کم، متوسط، زیاد، بسیار زیاد) مطرح شده اند، لذا جهت سنجش آماری، طیف گزینه‌ها براساس دامنه ۱ (گزینه بسیار کم) تا ۵ (گزینه بسیار زیاد) امتیاز بندی گردید. سپس تجزیه و تحلیل آماری داده‌های گردآوری شده در دو مرحله، توصیف داده‌ها با استفاده از جداول توزیع فراوانی و شاخص‌های مرکزی و پراکندگی و سپس، آزمون فرضیه و بررسی همبستگی میان متغیرها

۸. Cherrett & Moseley

با استفاده از نرم افزار spss، روش‌های آماری پیرسون، آنالیز واریانس و رگرسیون چند متغیره انجام شده است. جهت ارزیابی همبستگی عوامل مؤثر با میزان مشارکت شهروندان، مدل مفهومی ذیل مبنا قرار گرفته است.

یافته‌های پژوهش

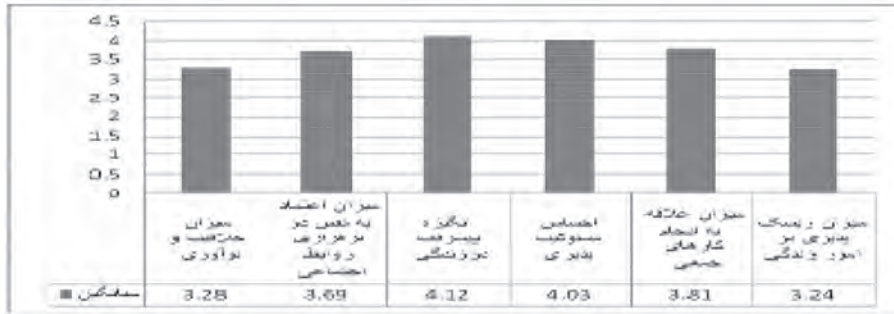
به منظور بررسی یافته‌های پژوهش، داده‌های حاصل از نظرات پاسخگویان در خصوص زیر متغیرهای فرضیه اول و دوم، در قالب جداول و نمودارهای ذیل ترسیم شده است.

متغیرها و زیرمتغیرهای مستقل فرضیه نخست

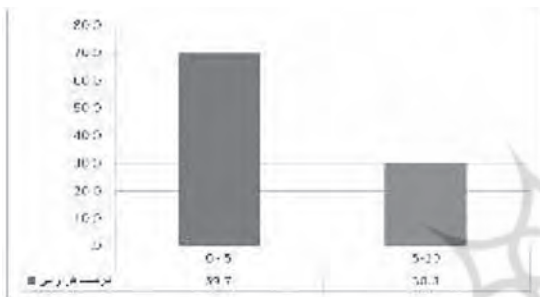
نمودارهای زیر، بیانگر وضعیت پاسخگویان برحسب ارزیابی ویژگی‌های شخصیتی، اجتماعی و اقتصادی است. نمودار شماره ۲ نشان می‌دهد که اغلب شهروندان انگیزه بالایی به منظور پیشرفت در زندگی دارند، در ضمن از احساس مسئولیت پذیری نسبتاً بالایی برخوردار بوده و انجام کارهای جمعی را به اقدامات فردی ترجیح می‌دهند.

بررسی وضعیت پاسخ دهندگان به لحاظ سنی، نشانگر آن است که بیشترین تجمع پاسخگویان در سن ۲۵ تا ۳۵ سالگی و کمترین تجمع در سن ۵۵ تا ۶۵ سال دیده می‌شود. بررسی میزان تحصیلات پاسخ دهندگان بیانگر آن است که اغلب پاسخگویان در این تحقیق از لحاظ میزان تحصیلات در سطح دیپلم قرار دارند.

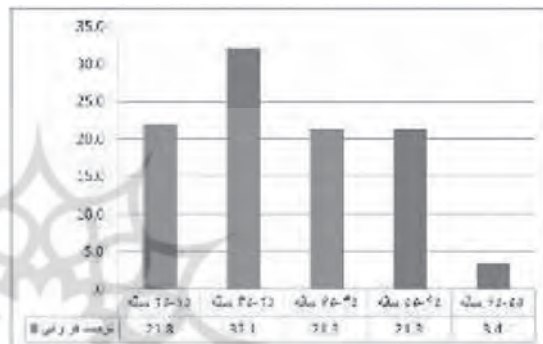
نمودار ۲. توزیع پاسخگویان برحسب ارزیابی ویژگی‌های شخصیتی



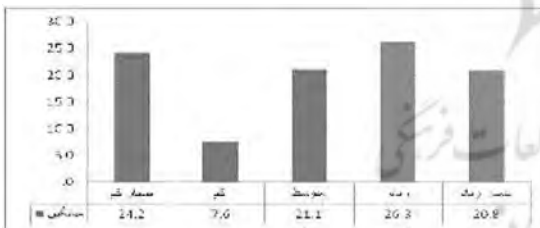
نمودار ۵. توزیع پاسخگویان برحسب سابقه سکونت



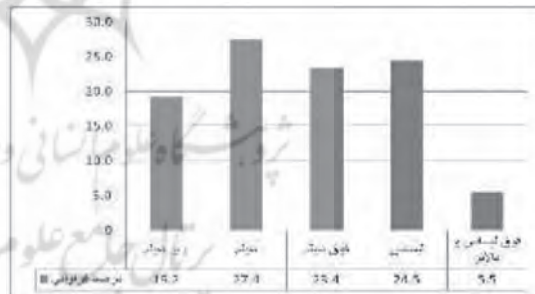
نمودار ۳. توزیع پاسخگویان برحسب سن



نمودار ۶. توزیع پاسخگویان برحسب حس تعلق مکانی



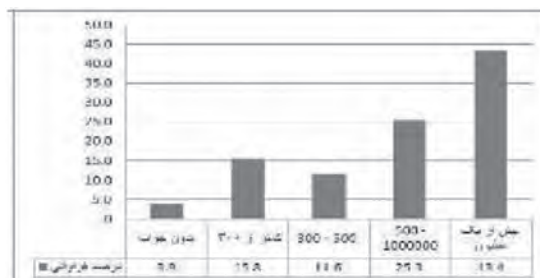
نمودار ۴. توزیع پاسخگویان برحسب تحصیلات



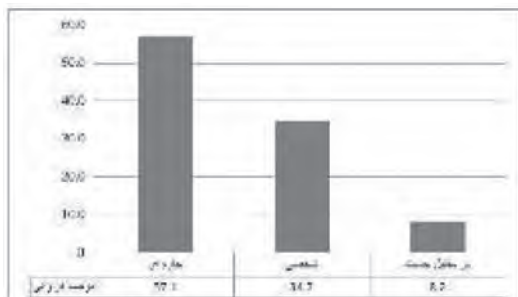
از میان پاسخ دهندگان به پرسشنامه از لحاظ وضعیت میزان درآمد ماهیانه، بیشترین تجمع پاسخگویان در سطح درآمدی بالاتر از یک میلیون تومان قرار دارند. از میان پاسخ دهندگان به پرسشنامه از لحاظ وضعیت مالکیت مسکن، اغلب پاسخگویان (۵۷,۱٪) دارای مسکن اجاره‌ای می‌باشند. مسکن در مقابل خدمت (۸,۲٪) مربوط به برخی از شهروندان شهر جدید پرند است که از پرسنل شرکت عمران پرند هستند.

از میان پاسخ دهندگان به پرسشنامه از لحاظ وضعیت سابقه سکونت در شهر جدید پرند، ۷۰ درصد از پاسخ دهندگان بین صفرتا ۵ سال و ۳۰ درصد از پاسخ دهندگان بین ۵ تا ۱۰ سال در شهر جدید پرند سکونت دارند. داده‌های نمودار شماره ۱۰، بیانگر کم‌رنگ بودن حس تعلق مکانی در میان ساکنین محدوده مورد نظر است، به طوری که میزان حس تعلق در سطح قابل توجهی از مخاطبان تحقیق (۶۸,۲) در سطح متوسط و پایین تر از آن قرار دارد.

نمودار ۷. توزیع پاسخگویان برحسب وضعیت درآمد



نمودار ۸. توزیع پاسخگویان برحسب نوع مالکیت مسکن



متغیرها و زیرمتغیرهای مستقل فرضیه دوم

جداول ذیل نشان می‌دهد که میزان اطلاع رسانی به شهروندان از سوی شرکت عمران پرند در خصوص شفاف سازی اقدامات و ترویج فرهنگ مشارکت در سطح پایینی قرار دارد، چرا که اکثریت پاسخ دهندگان (۷۲.۱) درصد آن را پایین ارزیابی کرده اند.

جدول ۱. میزان اطلاع رسانی به شهروندان از سوی مدیریت شهری پرند

ردیف	موضوع	تعداد	درصد	بسیار کم		کم		متوسط		زیاد		میزان اطلاع رسانی به شهروندان
				%	N	%	N	%	N	%	N	
۴	مشکلات شهری	۱,۰۳	۰,۱۸۲	۹۶,۶	۳۶۷	۳,۴	۱۳					
۱	تصمیمات مدیریت شهری	۲,۴۲	۰,۸۰۹	۲۵,۵	۹۷	۱۰,۸	۴۱	۶۰,۳	۲۲۹	۳,۴	۱۳	
۲	نحوه مدیریت فضاهای شهری	۲,۰۸	۰,۹۳۳	۳۶,۳	۱۳۸	۲۲,۹	۸۷	۳۷,۴	۱۴۲	۳,۴	۱۳	
۳		۱,۱۸	۰,۵۴۵	۸۹,۲	۳۳۹	۳,۴	۱۳	۷,۴	۲۸			

جدول ۲. ارزیابی میزان اطلاع رسانی به شهروندان از سوی مدیریت شهری پرند

میزان اطلاع رسانی به شهروندان از سوی مدیریت شهری	تعداد	درصد
بالا	۶	۱,۶
متوسط	۱۰۰	۲۶,۳
پایین	۲۷۴	۷۲,۱
مجموع	۳۸۰	۱۰۰

متغیر وابسته میزان مشارکت شهروندان در شهر جدید پرند

وضعیت میزان تمایل شهروندان به مشارکت در حل مسائل و مشکلات و اداره امور شهر پرند و وضعیت میزان مشارکت شهروندان در روند تهیه طرح‌های شهری ارزیابی شده است.

میزان مشارکت شهروندان در شهر جدید پرند، براساس میانگین

جدول ۳. میزان تمایل شهروندان به مشارکت در حل مسائل و مشکلات و اداره امور شهر پرنده

ردیف	نوع مشکل	بسیار کم		کم		متوسط		زیاد		بسیار زیاد		بدون جواب		تمایل به مشارکت در اداره امور شهری
		%	N	%	N	%	N	%	N	%	N	%	N	
۱	مسائل عمرانی شهر	۷,۶	۲۹	۳,۴	۱۳	۱۸,۲	۶۹	۲۲,۱	۸۴	۴۸,۷	۱۸			
۲	محیط زیست شهری	۲,۲۴	۸	۲,۰۰	۷	۲۵,۵	۹۳	۱۳	۴۴,۵	۱۶				
۳	احداث فضاهای رفاهی	۲۸,۹	۱۱۰	۳,۴	۱۳	۱۹,۲	۷۳	۲۲,۷	۹۰	۲۴,۷	۹۴			
۴	مسائل خدماتی شهر	۱۸,۷	۷۱			۱۵,۵	۶۰	۲۱,۷	۸۰	۴۴,۵	۱۶			
۵	پرداخت عوارض	۳,۴	۱۳	۳,۳	۱۶	۲۲,۲	۸۸	۸,۹	۳۴	۵۲,۶	۲۰	۷,۶	۲۹	
۶	برگزاری مراسم مختلف	۲۱,۸	۸۴	۷,۶	۲۹	۱۲,۵	۴۹	۷,۳	۲۸	۳۰,۳	۱۱			

با توجه به جدول شماره شماره ۴، می توان دریافت که اکثریت افراد هیچ گونه مشارکتی نداشته اند و تنها ۳,۴ درصد از پاسخ دهندگان، شهروندانی که اغلب از پرسنل شرکت عمران پرنده هستند، مشارکت بالایی در روند تهیه طرح ها داشتند.

جدول ۴. وضعیت میزان مشارکت شهروندان در روند تهیه طرح های شهری

ردیف	نوع طرح	بسیار کم		کم		متوسط		زیاد		بسیار زیاد		مشارکت در روند تهیه
		%	N	%	N	%	N	%	N	%	N	
۱	ارائه اطلاعات	۰,۳۷	۱	۳,۴	۱۳	۸۹,۲	۳۳۹	۳,۴	۱۳	۳,۹	۱۵	
۲	مشارکت در	۰,۱۹	۷	۳,۴	۱۳	۹۲,۶	۳۵۲	۳,۹	۱۵			
۳	مشارکت در	۰,۱۹	۷	۳,۴	۱۳	۹۲,۶	۳۵۲	۳,۹	۱۵			
۴	نظارت بر	۰,۱۹	۷	۳,۴	۱۳	۹۲,۶	۳۵۲	۳,۹	۱۵			

سکونت، تعلق

مکانی، سن و تحصیلات) با میزان مشارکت صورت گرفته که براساس نتایج، چون مقدار سطح معنی داری^۹ آزمون بررسی ضریب همبستگی بین میزان مشارکت و تمامی زیرمتغیرها کوچکتر از $\alpha=0.05$ است، بنابراین فرض وجود رابطه معنادار برای تمامی ۷ زیرفرضیه فوق پذیرفته می شود. براساس تحلیل های انجام شده، ضریب همبستگی^{۱۰} بین سن، تحصیلات، سابقه سکونت و تعلق مکانی با میزان مشارکت، به ترتیب ۰,۲۲، ۰,۴۳، ۰,۱۶ و ۰,۴۱ است.

در گام دوم، زیرفرضیه های مرتبط با متغیرهای شخصیتی و میزان مشارکت برپایه رگرسیون چندمتغیره آزمون شدند؛ ضریب همبستگی این متغیرها با میزان مشارکت، ۰,۵۳ می باشد.

جدول ۵. آزمون زیرفرضیه های مبتنی بر زیرمتغیرهای اجتماعی با میزان مشارکت

زیرمتغیر	مقدار خطا	سطح معنی داری	ضریب همبستگی	تایید زیرفرضیه
سن	۰,۰۵	۰,۰۲۵	۰,۲۳	H1
تحصیلات	۰,۰۵	۰,۰۰۰	۰,۲۲	H1
سابقه سکونت	۰,۰۵	۰,۰۰۲	۰,۱۶	H1
تعلق مکانی	۰,۰۵	۰,۰۰۰	۰,۳۱	H1

تجزیه و تحلیل یافته ها

اطلاعات به دست آمده از تکمیل پرسشنامه ها و انجام مصاحبه با اعضای شرکت عمران، به منظور آزمون فرضیه ها مورد تجزیه و تحلیل قرار گرفتند، به منظور آزمون تمامی فرضیه ها و زیرفرضیه ها، دو فرض در نظر گرفته شده است: فرض H0: عدم وجود رابطه معنادار، فرض H1: وجود رابطه معنادار.

• آزمون فرضیه نخست

به منظور آزمون فرضیه اول، ۷ زیر فرضیه مبتنی بر ویژگی های اجتماعی، اقتصادی و شخصیتی در نظر گرفته شده است و در گام نخست، آزمون زیرفرضیه های مبتنی بر زیرمتغیرهای اجتماعی (سابقه

9. . Sig

10. . Constant Pearson Correlation

جدول ۶. آزمون زیرفرضیه‌های مبتنی بر زیرمتغیرهای شخصیتی با میزان مشارکت

مدل	ضریب همبستگی	توان دوم ضریب همبستگی	ضریب همبستگی تعدیل شده	خطای استاندارد
۱	۰.۵۲	۰.۲۸۱	۰.۲۶۹	۶.۲۳۸

مقدار t و سطح معنی داری آن در جدول شماره ۷ بیانگر آن است که تمامی زیرمتغیرهای مستقل شخصیتی بر میزان مشارکت تأثیر مستقیم می‌گذارند. همچنین ضرایب مسیر (Betaها) نشان می‌دهد که متغیر مستقل تمایل به کارهای گروهی ($\beta=0.052$)، بیشترین تأثیر را بر میزان مشارکت شهروندان دارد.

جدول ۷. ضرایب رگرسیون چندمتغیره زیرمتغیرهای شخصیتی

مدل	ضرایب غیر استاندارد	ضرایب استاندارد		سطح معنی داری
		خطای استاندارد	بتا	
ثابت ^{۱۳}	۱۴.۱۵۴	۱.۹۴۵		۷.۲۷۹
خلأقیقت	۲.۱۴۹	۰.۳۹۹	۰.۲۸۹	۰.۰۰۰
اعتماد به نفس	۲.۶۳۱	۰.۵۴۵	۰.۳۵۷	۰.۰۰۰
انگیزه پیشرفت	۳.۲۳۸	۰.۷۴۹	۰.۳۲۴	۰.۰۰۰
مسئولیت پذیری	۲.۰۹۵	۰.۴۹۷	۰.۳۰۴	۰.۰۰۰
تمایل به کارهای گروهی	۴.۲۱۶	۰.۴۹۱	۰.۵۲۶	۰.۰۰۰
ریسک پذیری	۰.۶۸۶	۰.۳۹۶	۰.۱۰۲	۰.۴۰

در گام سوم، آزمون زیرفرضیه‌های مبتنی بر رابطه متغیرهای اقتصادی (میزان درآمد، نوع مالکیت مسکن) با میزان مشارکت با استفاده از روش ضریب همبستگی پیرسون و آنالیز واریانس انجام شده است. نتایج جدول شماره ۸ حاکی از آن است که بین زیرمتغیرهای میزان درآمد و نوع مالکیت مسکن با سطح مشارکت، به ترتیب رابطه معناداری با ضریب همبستگی ۰.۳۲ و ۰.۵۶ وجود دارد.

جدول ۸. ضریب همبستگی بین میزان مشارکت و نوع مالکیت مسکن

زیرمتغیر	مقدار خطا	سطح معنی داری	ضریب همبستگی	تایید زیرفرضیه
میزان درآمد	۰.۰۵	۰.۰۰۰	۰.۳۲	H1
نوع مالکیت مسکن	۰.۰۵	۰.۰۰۰	۰.۵۶	H1

نتایج جدول آنالیز واریانس، نشان می‌دهد که مقدار آماره فیشرف ($F=120.9$) در سطح $0/000$ معنی دار است. بنابراین به لحاظ آماری تفاوت موجود در میانگین میزان مشارکت اجتماعی در انواع مختلف مالکیت مسکن معنی دار می‌باشد.

جدول ۹. آنالیز واریانس

منابع	مجموع مربعات	درجه آزادی	میانگین مربعات	آماره فیشرف	سطح معنی داری
بین گروهی	۷۹۱۴	۲	۳۹۵۷.۲	۱۲۰.۹	۰
درون گروهی	۱۲۳۴۱	۳۷۷	۳۲.۷		

جدول شماره ۱۰، اولویت میزان مشارکت را به تفکیک نوع مالکیت بیان می‌کند. براساس این جدول، شهروندانی که نوع مالکیت مسکن آنان در مقابل خدمت است، از لحاظ میزان مشارکت در اولویت اول، شهروندانی که مالکیت مسکن آنان شخصی است، از لحاظ میزان مشارکت در اولویت دوم و شهروندانی که نوع مالکیت مسکن آنان اجاره‌ای باشند از لحاظ میزان مشارکت در اولویت سوم قرار دارند.

جدول ۱۰. آماره‌های توصیفی

فراوانی	میانگین	انحراف معیار	خطای استاندارد	فاصله اطمینان ۹۵٪
				کران بالا / کران پایین
اجاره‌ای	۲۴,۸۳۴	۵,۷۵	-۰,۳۹	۲۴,۰۶۵ / ۲۵,۶۰۴
شخص	۲۸,۱۸۳	۵,۳۰۱	۰,۳۶	۲۷,۲۶۹ / ۲۹,۰۹۵
در مقابل خدمت	۴۱,۷۷۴	۷,۱۱۲	۱,۲۸	۳۹,۱۶۶ / ۴۴,۳۸۳
کل	۲۷,۷۳۹	۷,۳۱۱	=	۲۶,۶۴۳ / ۲۸,۱۱۶

از آنجایی که برای تمامی زیر فرضیه‌های مطرح شده در خصوص فرضیه یک، فرض H_0 رد و فرض H_1 پذیرفته شده است، بنابراین فرضیه اول به اثبات می‌رسد.

• آزمون فرضیه دوم

به منظور آزمون فرضیه دوم و به منظور تعیین میزان تأثیر هر یک از روش‌های اطلاع‌رسانی بر روی میزان مشارکت شهروندان از روش رگرسیون چند متغیره استفاده شده است.

جدول ۱۱. آزمون زیرفرضیه‌های مبتنی بر زیرمتغیرهای اطلاع‌رسانی با میزان مشارکت

مدل	ضریب همبستگی	توان دوم ضریب همبستگی	ضریب همبستگی تعدیل شده	خطای استاندارد
۱	۰,۴۷	-۰,۷۷	-۰,۴۷	۷,۰۶۱

مقدار t و سطح معنی‌داری آن در جدول شماره ۱۲ نشان می‌دهد که تمامی زیر متغیرهای مستقل اطلاع‌رسانی بر میزان مشارکت تأثیر مستقیم می‌گذارند. همچنین ضرایب مسیر (Betaها) نشان می‌دهد که متغیر مستقل اطلاع‌رسانی در ارتباط با مسائل و مشکلات شهری ($\beta = ۰,۲۷$)، بیشترین تأثیر را بر میزان مشارکت شهروندان دارد.

جدول ۱۲. ضرایب رگرسیون چندمتغیره زیرمتغیرهای اطلاع‌رسانی

مدل	ضرایب غیراستاندارد		ضرایب استاندارد	آزمون t	سطح معنی‌داری
	ضرایب مدل	خطای استاندارد			
ثابت	۲۳,۳۷۴		۲,۳۲۷	۱۳,۹۱۴	۰,۰۰۰
اطلاع‌رسانی ترویج فرهنگ مشارکت	۶,۷۳۰		۲,۶۱۴	۲,۵۷۴	۰,۰۱۰
اطلاع‌رسانی مشکلات شهری	۲,۳۰۵		۰,۵۴۵	۴,۰۴۴	۰,۰۰۰
اطلاع‌رسانی تصمیمات مدیریت شهری	۲,۰۷۸		۰,۵۲۶	۳,۹۴۹	۰,۰۰۰
اطلاع‌رسانی مدیریتی	۲,۵۱۵		۰,۸۷۶	۲,۹۰۱	۰,۰۰۴

حال به منظور بررسی همبستگی هر یک از متغیرهای مذکور (ویژگی‌های اجتماعی، ویژگی‌های اقتصادی، ویژگی‌های شخصیتی، میزان اطلاع‌رسانی شرکت عمران پرند) با میزان مشارکت، میانگین ضریب همبستگی زیرمتغیرهای هر یک از متغیرها با میزان مشارکت محاسبه شده است. در نهایت شدت و میزان همبستگی هر یک از زیر متغیرها و متغیرها با میزان مشارکت، برپایه جدول شماره ۱۳ ارزیابی شده است. مهدوی و طاهرخانی (۱۳۸۵)، نحوه ارزیابی میزان عددی ضریب همبستگی را در قالب سه دسته همبستگی مستقیم، معکوس و عدم وجود همبستگی تقسیم بندی نموده است؛ که در این پژوهش با توجه به مستقیم بودن همبستگی‌ها، تقسیم‌بندی دسته همبستگی مستقیم در قالب ضعیف (۰,۲۵-۰,۵۰)، نسبتاً قوی (۰,۵۰-۰,۷۵)، شدید (۰,۷۵-۰,۹۰)، بسیار شدید (۰,۹۰-۱) مبنا قرار گرفته است.

جدول ۱۳. ارزیابی ضریب همبستگی متغیرها و زیر مستقل با میزان مشارکت

فرضیه	متغیرهای مستقل	زیرمتغیرهای مستقل	ضریب همبستگی	ارزیابی	اولویت بندی	
۱	ویژگی‌های اجتماعی	سابقه سکونت	۰.۳۰	همبستگی مستقیم ضعیف	۸	
		میزان تحصیلات		۰.۲۲	همبستگی مستقیم ضعیف	۷
		سن شهروندان		۰.۴۳	همبستگی مستقیم - نسبتاً قوی	۳
		تعلق مکانی		۰.۴۱	همبستگی مستقیم - نسبتاً قوی	۴
۲	ویژگی‌های اقتصادی	میزان درآمد	۰.۴۴	همبستگی مستقیم - نسبتاً قوی	۵	
		نوع مالکیت مسکن		۰.۵۶	همبستگی مستقیم - شدید	۱
۳	ویژگی‌های شخصیتی	ویژگی شخصیتی	۰.۵۳	همبستگی مستقیم - شدید	۲	
		اطلاع‌رسانی شرکت		۰.۲۷	همبستگی مستقیم - نسبتاً قوی	۶
۴	عمران پرند	اطلاع‌رسانی	۰.۲۷	همبستگی مستقیم - نسبتاً قوی	۶	

میزان مشارکت بیانگر ضرایب همبستگی با دامنه (۰.۱۶) تا $r=0.56$ از شدت همبستگی مستقیم ضعیف تا مستقیم شدید است؛ که نوع مالکیت مسکن به عنوان یک زیرمتغیر اقتصادی، بیشترین میزان همبستگی ($r=0.56$) - همبستگی مستقیم شدید - را با میزان مشارکت داراست. این در حالی است که ارزیابی میزان ارتباط بین متغیرهای مستقل پژوهش با متغیر وابسته میزان مشارکت، نشان می‌دهد که متغیرهای مستقل ویژگی‌های شخصی، اقتصادی، اجتماعی و اطلاع‌رسانی شرکت عمران، به ترتیب بیشترین میزان همبستگی (از مستقیم نسبتاً قوی تا مستقیم شدید) را با میزان مشارکت شهروندی دارا هستند. با توجه به وجود همبستگی مستقیم بین تمامی متغیرهای مستقل مطرح شده در پژوهش با متغیر وابسته میزان مشارکت شهروندان، ارتقا و بهبود وضعیت هر یک از عوامل مطرحه می‌تواند کمک به سزایی در افزایش میزان مشارکت شهروندان در مدیریت شهر جدید پرند ایفا نماید که پیشنهاد می‌گردد با توجه به اولویت بندی‌های صورت گرفته، در دستورکار قرار گیرند. زیرمتغیرهای مستقل مرتبط با ۴ دسته (ویژگی‌های اجتماعی، اقتصادی و شخصیتی) در فرضیه اول، بر مبنای اولویت بالاتر و متغیر میزان اطلاع‌رسانی شرکت عمران پرند، تنها متغیر فرضیه دوم انتخاب شده و پیشنهاداتی در خصوص آنها ارائه گردیده است.

پیشنهادات مرتبط با زیرمتغیرهای مستقل فرضیه اول
اولویت نخست، ارائه پیشنهادی در خصوص زیر متغیر مستقل نوع مالکیت مسکن (ویژگی‌های اقتصادی) است که توسعه مسکن حمایتی و ارزان قیمت با هدف مرتفع نمودن مشکل مالکیت مسکن، می‌تواند سهم بسزایی در افزایش مشارکت شهروندان داشته باشد. به طور مثال، اهتمام هرچه بیشتر مسئولین در خصوص بحث مسکن مهر در پرند، می‌تواند نقش موثری در بهبود وضعیت مالکیت مسکن در شهر جدید پرند داشته باشد.

ارزیابی میزان ارتباط متغیرهای اجتماعی و اقتصادی با میزان مشارکت، نشان می‌دهد که این دو متغیر به ترتیب و به صورت میانگین، ارتباط معناداری با ضریب همبستگی ($r=0.30$) و ($r=0.44$) با میزان مشارکت دارند که بیانگر وجود یک رابطه مستقیم نسبتاً قوی بین متغیرهای اجتماعی - اقتصادی با میزان مشارکت است. بدین معنا که با افزایش هر یک از متغیرهای اجتماعی و یا اقتصادی، میزان مشارکت افزایش و با کاهش آنها میزان مشارکت کاهش می‌یابد. به عبارت دقیق‌تر، از منظر متغیرهای اقتصادی، هرچه افراد از پایگاه اقتصادی قویتری برخوردار باشند، میزان مشارکت آنها در مدیریت شهری بالاتر است و بالعکس.

از سوی دیگر، ارزیابی میزان ارتباط ویژگی‌های شخصی با میزان مشارکت، حاکی از وجود همبستگی مستقیم شدید ($r=0.53$) بین این دو متغیر است. در حالی که ارزیابی میزان ارتباط بین اطلاع‌رسانی به شهروندان شهر جدید پرند از اقدامات شرکت عمران و میزان مشارکت، مؤید رابطه معناداری با ($r=0.27$) است که همبستگی مستقیم نسبتاً قوی بین این دو متغیر را بیان می‌کند. در مجموع از نتایج حاصل از ارزیابی می‌توان این گونه استنباط نمود که متغیرهای مستقل مرتبط با ویژگی‌های شخصی، اقتصادی، اجتماعی شهروندان و میزان اطلاع‌رسانی به آنها از روند اقدامات صورت گرفته در شرکت عمران پرند، به ترتیب بیشترین میزان همبستگی را با متغیر وابسته میزان مشارکت شهروندان در مدیریت شهر جدید پرند را دارا هستند.

نتیجه‌گیری و جمع‌بندی

تحلیل همبستگی و ارتباط بین تمامی متغیرها و زیر متغیرهای مستقل پژوهش شان می‌دهد که تمامی آنها با متغیر وابسته میزان مشارکت شهروندان در مدیریت شهر جدید پرند، ارتباط معنادار و مستقیمی دارند. ارزیابی میزان ارتباط بین زیر متغیرهای مستقل پژوهش با متغیر وابسته

اولویت دوم، مبتنی بر متغیر مستقل تعلق مکانی (ویژگی‌های اجتماعی) است که همانطور که در داده‌ها مشهود است، حس تعلق اکثریت پاسخگویان نسبت به محل سکونت خود، در حد متوسط و پایین تر از آن قرار دارد. انجام اقداماتی در راستای هویت مند نمودن شهر جدید پرند، ایجاد یک سری فضاهای باز همگانی که در آنها اتفاقات غیرمعمول و به یادماندنی رخ می‌دهد، می‌تواند در هویت بخشی و ارتقا حس تعلق ساکنین مثرتر واقع شود.

اولویت سوم ارائه پیشنهادات بررسی‌های صورت گرفته مرتبط با زیرمتغیر مستقل میزان درآمد ماهیانه شهروندان (ویژگی‌های اقتصادی) است که مبتنی بر این مهم است که زمینه سازی جهت ایجاد فرصت‌های شغلی مناسب با سطح درآمدی مطلوب در سطح شهر جدید پرند، باعث می‌شود تا شهروندان این شهر جدید، به منظور تأمین مایحتاج زندگی، مجبور به رفت و آمد به شهرهای اطراف محدوده، به ویژه تهران نبوده و فرصت بیشتری به منظور مشارکت در اداره امور شهری پرند داشته باشند.

پیشنهادات مرتبط با متغیر مستقل فرضیه دوم

در خصوص متغیر اطلاع رسانی اقدامات شرکت عمران شهر جدید پرند، افزایش میزان اطلاع رسانی به شهروندان از سوی شرکت عمران پرند، می‌تواند نقش بسزایی در افزایش مشارکت شهروندان ایفا نماید. این امر می‌تواند از طریق بستر سازی به منظور امکان مشارکت شهروندان در مدیریت شهر جدید پرند و به واسطه آموزش فرهنگ مشارکت، برگزاری نشست‌های عمومی، نظر سنجی از شهروندان در زمینه‌های مختلف و اطلاع رسانی در خصوص طرح‌ها و برنامه‌های عمرانی محقق گردد.

منابع و ماخذ

۱. اجزای شکوهی، محمد؛ سلمانی مقدم، محمد؛ و قنبری، محمد (۱۳۹۲). «ارزیابی مشارکت شهروندی در شهرهای جدید ایران با تاکید بر بومی و غیر بومی بودن شهروندان (مطالعه موردی: شهر جدید بینالود)». پنجمین کنفرانس برنامه ریزی و مدیریت شهری، اردیبهشت ۲۵-۲۴، (ص ۲۲-۱)، مشهد: ایران.
۲. احمدزاده نانو، حسین (۱۳۸۷) «سنجش‌وارزیابی ظرفیت های مشارکت اجتماعی در فرایند

بهبودی و نوسازی محلات ناکارآمد شهری، (نمونه مطالعاتی: محله هادی آباد قزوین)». پایان نامه دوره کارشناسی ارشد شهرسازی، دانشگاه تربیت مدرس، تهران.

۳. ارجمندنی، اصغر (۱۳۸۵) مکانیسم سازماندهی و مشارکت مردم و نهادهای غیردولتی در ساخت، بهره برداری و اسکان در شهرهای جدید. مجموعه مقالات ارائه شده در سمینار شهرهای جدید- تهران. چاپ اول، تهران: شرکت عمران شهرهای جدید.

۴. بایزیدی؛ و دیگران (۱۳۹۰). «تحلیل داده‌های پرسش نامه‌ای به کمک نرم افزار SPSS». تهران: انتشارات عابد.

۵. تقوایی، علی اکبر؛ و تاجدار، رسول (۱۳۸۸) «درآمدی بر حکمروایی خوب شهری در رویکردی تحلیلی». فصلنامه مدیریت شهری، ۲۳، ۵۸-۴۵.

۶. تقوایی، مسعود؛ بابانسیب، رسول؛ و چمران، موسوی (۱۳۸۸) «تحلیلی بر سنجش عوامل مؤثر بر مشارکت شهروندان در مدیریت شهری: منطقه ۴ تبریز». مطالعات و پژوهش های شهری و منطقه ای، سال اول، ۱۹، ۳۶-۲.

۷. حاتمی، حمیدرضا؛ کشتکار، مهران (۱۳۹۴) «الگوی مفهومی مشارکت سازمان یافته مردمی برای تحقق استحکام ساخت درونی قدرت نظام». فصلنامه علمی - پژوهشی مطالعات راهبردی بسیج، سال هجدهم، ۶۹، ۶۷-۳۹.

۸. زیاری، کرامت اله؛ نیک پی، وحید؛ و حسینی، علی (۱۳۹۲) «سنجش میزان مشارکت شهروندان در مدیریت شهری براساس الگوی حکمرانی خوب شهری، مطالعه موردی: شهر یاسوج». مجله مسکن و محیط روستا، ۱۴۱، ۸۶-۶۹.

۹. شریفیان ثانی، مریم (۱۳۸۰) «مشارکت شهروندی، حکمرانی شهری و مدیریت شهری». فصلنامه مدیریت شهری، ۸، ۵۵-۴۲

۱۰. شکوهی، محمد (۱۳۸۱) «اجزاء یک مدل توسعه ای برای شهرهای جدید: تجربه شهرهای جدید انگلستان»، مجله تحقیقات جغرافیایی، ۶۵ و ۶۶، ۹۵-۱۱۵.

۱۱. شیعه، اسماعیل (۱۳۸۲) «لزوم تحول مدیریت شهری در ایران». مجله جغرافیا و توسعه، ۲۶۱،

- Tialda and Aagaard Thuesene , Annette. (2016). Identifying social innovations in European local rural development initiatives, *Innovation: The European Journal of Social Science Research*, 4(29), 461-442
23. 23. Habermas, J. (1992) *Citizenship and National Identity: same Reflections on the future of Europe*. in B. S. turner and P. Hamilton, ed., citizenship critical concepts. London: Routledge.
24. 24. Kaufmann, Daniel., Léautier, Frannie and Mastruzzi, Massimo. *Governance and the City: An Empirical Exploration into Global Determinants of Urban performance*. Retrieved from <http://www.worldbank.org/wbi/governance>.
25. 25. Kotus, J., Sowada, T. (2017). Behavioural model of collaborative urban management: extending the concept of Arnstein's ladder. *Cities*, 65, -78 86
26. 26. UNDP (1997). *Governance for Sustainable Human development: a UNDP policy document*, United nations development programme.
27. 27. Vansant, Jerry (2001). *Cooperation for Good Governance*. Muskie/FSA Alumni Regional Conference Yerevan Armenia. October 29-26, (pp. 37-1). Terry Sanford Institute of Public Policy: Duke University.
- ۳۷-۶۲
۱۲. کسالایی، افشین (۱۳۷۹) «جایگاه و نقش مدیریت مشارکتی در شهرهای جدید (نمونه موردی: شهر جدید پردیس)»، پایان نامه کارشناسی ارشد جامعه شناسی، دانشگاه شیراز، شیراز.
۱۳. کلدی، علیرضا (۱۳۸۱) «بررسی نگرش شهروندان از مشارکت در مدیریت شهری (نمونه موردی منطقه ۷ تهران)». فصلنامه جمعیت، ۴۲، ۲۰-۱
۱۴. محسنی تبریزی، علیرضا (۱۳۷۳) بیگانگی مانع مشارکت و توسعه ملی، فصلنامه تحقیقات فرهنگی، ۱، ۸۹-۱۱۰.
۱۵. محمدی، جمال؛ باقری، کیوان؛ و حیدری، سامان (۱۳۹۲). «سنجش و بررسی میزان مشارکت شهروندان در امور شهری و عوامل مؤثر بر آن (مطالعه موردی: شهر سنندج)». مجله تحلیل اجتماعی، ۶۹، ۲۰۹-۱۷۹.
۱۶. مرادی مسیحی، وراز (۱۳۸۲). «روند تحولات برنامه ریزی شهری». جزوه درسی برنامه ریزی شهری، دانشگاه آزاد اسلامی، واحد تحقیقات تکمیلی.
۱۷. مشکینی، ابوالفضل؛ خلیج، اکبر؛ و عزیزی، حسین (۱۳۹۱). «بررسی نقش مشارکت شهروندان در تحقق پذیری اهداف شهرهای جدید در ایران (نمونه موردی: شهر جدید صدرا)». فصل نامه جغرافیا و برنامه ریزی شهری چشم انداز زاگرس، ۸۱-۹۸، (۱۴)۴.
۱۸. مهدوی، مسعود؛ و طاهرخانی، مهدی (۱۳۸۵). «کاربرد آمار در جغرافیا»، تهران: نشر قومس.
۱۹. مهندسین مشاور امکو ایران (۱۳۸۵). «طرح بازنگری توسعه و عمران شهر جدید پرند». تهران.
۲۰. هادیان، اکرم؛ و دانشپور، سید عبدالهادی (۱۳۸۷). «نوسازی بافت‌های فرسوده شهری و مشارکت شهروندان»، مجموعه مقالات همایش بهسازی و نوسازی بافت‌های فرسوده شهری. مشهد..
۲۱. هریسون، دیوید (۱۳۷۶). «جامعه‌شناسی نوسازی و توسعه». (علیرضا کلدی، مترجم). تهران: انتشارات دانشگاه علوم بهزیستی و توانبخشی.
22. 22. Boswortha , Gary, Rizzob, Fulvio, Marquardtc , Doris, Strijkerd, Dirk, Haartsend,



پروپوزیشن گاہ علوم انسانی و مطالعات فرہنگی
پرتال جامع علوم انسانی